

تارتارن
روی گوه‌های آلپ

آلفونس موده

ترجمه: فریبا میرزاآقا

سرشناسه	: دوده آلفونس، ۱۸۴۰-۱۸۹۷ م.
عنوان و نام پدیدآور	Daudet, Alphonse
مشخصات نشر	: تارتارن روی کوه‌های آلپ / آلفونس دوده: ترجمه فریبا میرزاآقا.
مشخصات ظاهری	: تهران، روزنه، ۱۳۹۷.
شابک	: ۳۵۴ ص.
وضعیت فهرست‌نویسی	: ۳-۷۶۷-۳۳۴-۹۶۴-۹۷۸
یادداشت	: فیبا
موضوع	: Tartarin sur les Alpes, 2004
موضوع	: داستان‌های فرانسه -- قرن ۱۹ م.
شناسه افزوده	: French fiction -- 19th century
رده‌بندی کنگره	: میرزاآقا، فریبا، ۱۳۶۳ - مترجم
ردیف	: PQ۲۲۴۶ / ت۲ ۲۳۹۷
سماة کتابشناسی ملی	: ۸۴۳/۸
	: ۵۱۶۸۳۹۱



تارتارن روی کوه‌های آلپ

آلفونس دوده

مترجم: فریبا میرزاآقا

طرح جلد: هادی عادل‌نوی

صفحه‌آرا: اکرم مس

چاپ اول: ۱۳۹۸

قیمت: ۳۶۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: پالیز

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲، طبقه ۳

تلفن: ۸۸۸۵۳۶۳۱-۸۸۸۵۳۷۳۰ نمابر: ۳۴۳۵۹

سایت: www.rowzanehnashr.com

telegram.me/rowzanehnashr rowzanehnashr

ISBN: 978-964-334-767-3

شابک: ۳-۷۶۷-۳۳۴-۹۶۴-۹۷۸

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است

دیباچه

این داستان راجع به شخصیت «تارتارن» است که «دوده»^{*} ثابت کرد «لذت واقعی» این رمان نویس خلق موجودات و سب و سامان دادن به آنها از طریق حقیقت‌نمایی شخصیت‌های انسانی است که از آن پس توسط مردم، با اسم و عمل و قیافه‌ای که به آنها داده به جریان در می‌آیند و مردم را وادار می‌کنند که در موردشان صحبت کنند - بگویند که در آنها متغیرند یا آنها را دوست دارند - بدون این که خالقشان حضور پیدا کند. ملاحظه می‌شود که به زبان آورده شود.^{**} درواقع تقدیر تارتارن چنین بود. برخاسته از تجربه‌ی شخصی خالقش این شد که، این شخصیت به تدریج ثبات گرفت، و با آنکه ابتدا با کمی بی‌اعتنایی از او استقبال شد، اما محبوبیت را از آن خود کرد، متوجه شد که «دوده» آنرا غنیمت شمرد و به آن شدت بخشید و در «تارتارن روی کره»^{***}

*. Daudet.

** «تاریخچه‌ی کتابهای من. تارتارن تاراسکنی» تارتارن تاراسکنی، گالیمارد، مجموعه فولیو، ص ۱۸۱.

آلپ» و بعد در «بندرگاه - تاراسکن» دوباره آن را ظاهر کرد. همان‌طور که می‌دانیم، در اصلیت شخصیت داستان، الگوی حقیقی یافت می‌شود. یعنی هنری رینود پسرخاله‌ی نویسنده که در سال ۱۸۶۲ - ۱۸۶۱ با او راهی الجزایر شد.

در ۱۸۶۱، قبل از ترسیم یک تصویر کم‌دی از همسفرش در حکایت کوتاه «دنتن*» تابلو شیرها» که ۱۸ ژوئن ۱۸۶۳ در روزنامه «فیگارو» منتشر شد،**، هنر ریادی منتظر نماند، شپتن در رویای شکار شیر، عازم الجزایر می‌شد، دزدیده می‌شد یک شیر کور می‌کشت و پیروزمندانه به تاراسکن باز می‌گشت. آن‌ب دودر چهار توبی را برای داستان‌ش در نظر می‌گرفت که چند سال بعد دوباره از آن روی کرد.

گرچه شپتن مرد خوب تاراسکن بود، اما دارای ارزش نمونه‌ای نبود که شخصیت رمان باید می‌داشت.

در سال ۱۸۶۹ هنگامی که دوده فسه را با این نقاشی فکاهی از شهر و پیروزی قهرمانش پر بار کرد، تغییر شکلی رخ داد و او که اکنون به گروهی شخصیت می‌بخشید و ویژگی‌های کاریکاتوری آنها را مردم جمع می‌کرد و بی‌اندازه روی آنها تأکید می‌کرد، صاحب نام باربارن بود.*** و همچنین شخصیتی می‌شد که در خود دُن کیشوت و سانکو را گرد هم می‌آورد، یعنی رویای قهرمانانه و دلبستگی به آسایش بورژوازی. در همان موقع در سین

*. Chapatin.

** به پیوست تارتارن تاراسکنی بازآفرینی شد (فولیو، ص ۲۱۶ - ۲۰۳).

***. Barbarin.

بی‌شباهتی با شپتن که فقط به دنبال شیر می‌گشت، او کم و بیش دلوپس سرزمینی بود که آن را در می‌نوردید. باربارن مجذوب سرابی شرقی شد که وقتی به پوچی و بیهودگی‌اش پی برد، به آن خاتمه داد. پیشامدهای گوار یک قهرمان طنزآمیز معرفی هجوآمیزی راجع به الجزایر معاصر را احسان‌پذیر می‌کرد.

وقتی این اثر در سال ۱۸۷۲ در کتابفروشی «ماجرهای حیرت‌انگیز تارتارن، تاراسکی» منتشر شد او نام همیشگی خود را گرفت و از آن پس آدم کاملی بود. با وجود این شخصیت بدون او تاراسکن عضو دنیایی کمدی می‌شد که خاص دوده بود. در سال ۱۸۸۱ بعد از محاصره‌ی پایتخت دوده می‌خواست کینه‌ی پارسی‌ها علیه این اُست را بیان کند که موفق به یاری آنها نشد و در نتیجه «دفاع از تاراسکن»^{*} را می‌نویسد. در آن تظاهرات یک میهن‌پرستی پرسروصدا را به تمسخر می‌گیرد که به هیچ نوع اتحادی واقعی نمی‌انجامد. این‌جا نیز مانند کتاب «تارتارن تاراسکن»، «میلی به آسایش روزمره، ذوق جنگ‌طلبی را خنثی می‌کند. وجه تمایز بیان شده در مورد محافظان ملی، بین «خرگوش‌های وحشی» و «خرگوش‌های اهلی» در «تارتارن روی کوه‌های آلپ» دوباره از سرگرفته خواهد شد تا وگرنه درونی تارتارن را توجیه کند. از طرف دیگر، در این قصه، تمام شهر ریو در حال می‌رود، از تارتارن نامی برده نمی‌شود اما این‌جا فرمانده برآوید، که متکلم

*. در «شب ۵ مارس سال ۱۸۷۱» منتشر شد، این متن در «نامه‌هایی به یک غایب» جمع‌آوری شد، قبل از اینکه وارد «قصه‌های دوشنبه» شود.

اسلحه‌فروش، پگولَد* مأمور مالیات و بومپار مدیر محفل دیده و یا بهتر بگویم دوباره دیده می‌شوند.

اگر در «تارتارن روی کوه‌های آلپ» و «بندرگاه - تاراسکن» قیافه‌های تاراسکنی‌ها زیاده‌تر و متنوع‌تر از جلد اول مجموعه هستند با «دفاع از تاراسکن» است که این روند آغاز شده است، یکی از این شخصیت‌ها قبل از این که روده فقط قصد نوشتن «تارتارن روی کوه‌های آلپ» را داشته باشد، ارزش‌ها را به دست آورد.

در واقع «نوما رومستان»**، نام «بومپار» دوباره می‌آید (خارج از موقعیت تاراسکنی می‌آید، چنان که بومپار مانند رومستان، اصیل شهر خیالی‌ایز است که از «نوم» و «آرل» به بعد به وجود آمد)، و او فردی به شدت شاخص را نشان می‌دهد که ظاهر جسمانی او را به خوبی دروغ‌بافی‌اش به تصویر می‌کشد.

همان‌طور که در «نوما رومستان» و «بومپار» در «تارتارن روی کوه‌های آلپ» ظاهر خواهد شد.

همان‌طور که بازی داد و ستدها نیز با عملکرد خرد بین مجموعه‌ی تاراسکنی و رمان اخلاقیات این را ثابت می‌کند، در اثر دیده، تیغی جداکننده‌ای بین فانتزی و واقع‌گرایی وجود ندارد.

با این که «نوما رومستان» را تازه تمام کرده بود، تجربه‌ای پیدا و سرنوشت‌ساز برای خلق «تارتارن روی کوه‌های آلپ» به دست آورد: یعنی

*. Pégoulade.

** Numa Roumestan.

کشف کشور جهانگردی سوئیس. در تابستان ۱۸۸۱، خانواده‌ی دوده به همراه جیوزیپ دونیتیسی نقاش به سوئیس سفر کردند؛ نقشه‌ی راهی که به تارتارن قرض داده بودند، که از بال تا اُبرلاند را نشان می‌داد، به‌طور کامل با آنچه که آن زمان دنبال کردند، مطابقت دارد. احساسات دوده در نامه‌هایش و ریژه در یادداشت‌هایی که در همین فرصت نوشت آشکار می‌شوند که ما از آنها معالفتی و به خاطر فقدان نسخه‌ی خطی، رونوشتی که در نشر «آثار امل» منتشر شد، تحت نظارت خانواده‌ی نویسنده قرار گرفت. در اینجا واکنش‌ها مخالف مسافر نشان داده می‌شود. او در برابر زیبایی کوهستان مرتفع حسادت و دوده در برابر جوانب مضحک و ناخوشایند جهانگردی مانند زشتی، طبل و بی‌حوصلگی.

بسیاری از چشم‌اندازها تصاویر سایه‌نمایی که طی سفر نظرش را جلب می‌کنند در صفحات «تارتارن» که به «های آلپ» دوباره خواهند آمد. از آن جایی که دوده با رغبت این کار را انجام می‌دهد، تصمیم گرفت تولد اثری را شرح دهد که در برخورد با واقعیت تجربه‌اش کمال بود؛ دیدگاه بهره‌برداری جهانگردی از کشور سوئیس به پیش نویس یک رمان منتهی می‌بخشید.

در درد دل‌هایی که «آلبرت ولف» موقع نشر «تارتارن» روی کتاب‌های آلپ ابراز می‌کند، به این موضوع اشاره دارد: «چگونه اندیشه‌ی نوشتن تارتارن روی کوه‌های آلپ به ذهن دوده رسید؟» یک روز در سواحل دریای «کاترکانتون» پیش‌نویس رمان طراحی شد. رمان‌نویس با «نیتیسی» نمایش سفر می‌کرد، یکی اهل جنوب فرانسه و دیگری اهل «ناپل»^{*} بود. آنها در

* Naples: شهری در جنوب ایتالیا.

یکی از آن میهمانخانه‌های بزرگی به سر می‌بردند که توسط جمعیتی جهان دیده اشغال شده و هر یک به دیگری سوءظن دارد، آنها وقتی با این پیش پا افتادگی بیرون آمده از کتابچه‌های راهنما که حتی از هر موضوع کسالت‌آوری هم کسل‌کننده‌تر است، تحسین و شگفتی خود را بروز نمی‌دهند، از پا در می‌آیند و مقابل زرق و برق طبیعت شیب‌دار خمیازه می‌کشند. «نیتیس» آدم‌های ساده و سرزنده و ایتالیایی‌های برجسته و جوش را کم داشت و دوده مردم جنس اول. مردم به قدر کافی نمی‌خندیدند آنها جرات نمی‌کردند احساس واقعی خود را بر مورد این سوئیس کارتنی ابراز کنند کشوری که وسط این منسره‌ی بزرگ، قابل بهره‌بری جهانگردی است. باید که همه‌جوره آنها می‌پذیرفتند بدون استثنا از خود بیخود می‌شدند. این دو دوست کلافه می‌شدند و قفس بود که صریح و با حوصله هر چه در سر دارند را بگویند. دوده* می‌گوید: «این کتاب را خواهم نوشت». اما آیا بعد از این ماجرا آدم می‌تواند به تفهیم و بصری و اهدافی تبلیغاتی اعتماد کند؟

شاید قصه آلبرت ولف زیادی مطابقت دارد با تصویر من که دوده مدام قصد دارد از کار خلاقانه‌اش ارائه بدهد.

با این وجود گمان می‌رود آنچه که این معرفی پیشانی تأیید می‌کند، این است که اوایل اکتبر ۱۸۸۱ «ژول کلارتنی» خبر داد: «دوده» طرح نوشتن رمانی هجوآمیز راجع به سوئیس** را از قبل ترتیب داده بود.

* آلبرت ولف، «نامه‌ای از پاریس»، فیگارو، ۱۲ دسامبر سال ۱۸۸۵.

** Jules Claretie آلفونس دوده، تصویرسازی، ۲۲ اکتبر ۱۸۸۱.